

نقدی بر مقاله

«اجرای مقررات نظام وظیفه در دفاتر اسناد رسمی»

احمد علی سیروس*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مجله محترم کانون

با عرض سلام و تحیت، در مجله شماره ۳۱، صفحه ۳۲ الی ۴۰ آن ماهنامه محترم مقاله‌ای به قلم همکار گرامی، آقای سید فریدالدین محمدی، سردفتر محترم اسناد رسمی ۷۲۷ تهران تحت عنوان «اجرای مقررات نظام وظیفه در دفاتر اسناد رسمی» به چاپ رسید که ضمن تشکر و قدردانی از دقت و زحمت آن همکار گرامی در تحقیق و ارائه مقاله مذکور و ابراز امیدواری نسبت به همکاران جدید این شغل پرمسئولیت، نکاتی در مقاله مذکور به نظر اینجانب رسید که نیاز به تفحص و بررسی بیشتر دارد:

در انتهای صفحه ۳۶ و صدر صفحه ۳۷ مقاله مذکور مرقوم فرموده‌اند: «... اسنادی را که جنبه نقل و انتقال ندارد باید کنار گذاشت مانند وکالت خودروها، اسناد با حق استرداد، اجاره، وصیت عهدی و غیره. در مورد بقیه اسناد مالی که جنبه نقل و انتقال دارد، باید رعایت مقررات نظام وظیفه را نمود.»

نکته اول آنکه چرا فقط وکالت خودروها جزو اسناد غیر مالی تلقی شده، آیا سایر وکالتنامه‌ها مالی به حساب می‌آیند؟ هر چند در انتهای جمله، کلمه «و غیره» به کار رفته، لکن خواننده به طور ناخودآگاه این گونه استنباط می‌نماید که فقط وکالت خودروها غیر مالی می‌باشند و نقل و انتقال غیر قهری اموال محسوب نمی‌گردند.

نکته دوم آنکه اجاره را نیز به مثابه اسناد غیر مالی محسوب و از شمول قانون

وظیفه عمومی خارج دانسته‌اند و حتی در جدولی که در پایان مقاله مذکور تهیه شده، اجاره سند غیر مالی تلقی و عدم نیاز به رعایت مقررات قانون وظیفه عمومی درباره آن را استدلال نموده‌اند. حال آنکه به موجب ماده ۴۶۶ قانون مدنی: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود.» لذا در عقد اجاره نقل و انتقال منافع بین موجر و مستأجر تحقق می‌یابد و عقد اجاره از عقود لازمه است و طبق ماده ۴۹۷ ق. م با فوت موجر و مستأجر باطل نمی‌شود. بنابراین در تنظیم سند اجاره که طبق ماده ۱۲۳ قانون ثبت و نیز تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون دفاتر اسناد رسمی به آن حق الثبت تعلق می‌گیرد و از جمله اسناد مالی است باید قانون وظیفه عمومی رعایت شود.

نکته آخر آنکه در مقاله مذکور وصیت عهدی را از جمله اسناد غیر مالی و وصیت تکمیلی را سند مالی تلقی نموده، لذا مرقوم داشته‌اند که وصیت عهدی نیاز به رعایت مقررات قانون وظیفه عمومی ندارد و در مقابل برای تنظیم سند وصیت تکمیلی، اخذ پایان خدمت و یا رعایت قانون مذکور را ضروری دانسته‌اند.

خاطر نشان می‌شود طبق ماده ۸۲۶ قانون مدنی، وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند و طبق ماده ۸۳۸ همان قانون، موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند. همچنین در ماده ۸۳۹ ق. م آمده است: «اگر موصی ثانیاً وصیتی برخلاف وصیت اول نماید، وصیت دوم صحیح است»، لذا در وصیت اعم از عهدی یا تملیکی، هیچ‌گونه نقل و انتقالی صورت نمی‌گیرد تا مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی باشد و چنانچه انتقالی هم صورت بگیرد بعد از فوت موصی است و با توجه به اینکه در هر لحظه و هر زمان موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند و یا وصیت دیگری تنظیم نماید لذا هیچ انتقال و تملیکی صورت نگرفته تا [آن را] نقل و انتقال غیر قهری اموال تلقی نموده و نیازمند رعایت قانون خدمت وظیفه عمومی باشیم، لذا تنظیم سند وصیت مانند بقیه عقود جایزه، نیاز به رعایت قانون خدمت وظیفه عمومی ندارد.

با توجه به اینکه قانون خدمت وظیفه عمومی در سال ۱۳۶۳ در اوج جنگ

تحمیلی و با شرایط حاکم بر آن زمان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید با اتمام جنگ تحمیلی و گذشت قریب ۱۴ سال از آن آیا کماکان بند «و» ماده ۱۰ قانون مذکور توجیه زمان فعلی را می‌نماید، حال آنکه بسیاری از اسناد مشاعی و یا ورثه‌ای و حتی معاملات کسانی که در خارج از کشور به سر می‌برند به دلیل این الزام غیر ملموس فعلی، دچار مشکل شده و این بند قانون، عامل بازدارنده در مقابل رشد و حرکت اقتصادی شده است که با توجه به قریب الوقوع بودن تقدیم اصلاح قانون نظام وظیفه عمومی به مجلس شورای اسلامی، از جناب آقای عزیزاده معاونت محترم قوه قضاییه و ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور استدعا می‌شود تا نسبت به انعکاس این مشکل به مسؤولین امر جهت حل این معضل اقتصادی اقدام گردد.



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امام علی بن ابیطالب علیه السلام

رتال جامع علوم انسانی

إِسْتَدِلَّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ

آنچه نیست دلیل آنچه هست باشد زیرا کارها همانند همنند.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی